

# خلأ قدرت و تأثیر آن بر امنیت منطقه خاورمیانه

دکتر مختار صالحی<sup>۱</sup>

عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران، گروه علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

رحمان زارع

دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه روابط بین الملل، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

(تاریخ دریافت ۹۵/۵/۱۷ - تاریخ تصویب ۹۶/۸/۲۷)

## چکیده

امنیت در خاورمیانه وضعیت پیچیده و مبهمی پیدا کرده است. با وجود تأثیر فاکتورهای متعدد بر شکل‌گیری ناامنی در خاورمیانه، خلأ نفوذ قدرت‌های بزرگ در ایجاد ثبات و نظم در منطقه قابل تأمل است. مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که، خلأ قدرت بزرگ چه تأثیری بر امنیت خاورمیانه داشته است؟ فرضیه مقاله مطرح می‌کند، با چرخش سیاست خارجی آمریکا به سوی آسیا و تبدیل خاورمیانه به اولویت دوم در استراتژی امنیت ملی آمریکا، سطح واگرایی در منطقه خاورمیانه بیشتر شده است. در یافته‌های مقاله به این نکته اشاره شده است که هر کدام از دو کشور ایران و عربستان تلاش می‌کنند خلأ قدرت بزرگ در منطقه را جبران کنند و موضوع فوق منجر به تشدید رقابت بین کشورهای منطقه شده است. برای کاهش واگرایی، کشورهای منطقه نیازمند دستیابی به چهارچوب مشترک برای همکاری در سطح منطقه هستند. بررسی موضوع در چهارچوب رویکرد نئورئالیسم تهاجمی صورت گرفت. برای آزمون فرضیه، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

**واژه‌های کلیدی:** خاورمیانه؛ آمریکا؛ خلأ قدرت؛ واگرایی؛ عربستان؛ ایران.

Email: mosalehi@yahoo.com

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول

فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال دهم، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۹۶. صص. ۹۳-۱۱۴.

## مقدمه

خاورمیانه، در سال‌های اخیر به‌خصوص از سال ۲۰۱۱ به بعد تبدیل به منطقه‌ای شده است که متأثر از شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با وضعیت هرج و مرج گونه‌ای مواجه است که می‌توان آن را نمونه‌ای از وضعیت آنارشیک حاکم بر منطقه دانست. از آنجایی که سیستم منطقه‌ای، آنارشیک است، دولت‌هایش به ناگزیر برای تأمین امنیت، در تکاپوی افزایش قدرت‌شان. در یک سیستم آنارشیک و خودیار، دولت‌ها، تنها با توسل به قدرت‌شان می‌توانند نسبت به بقای خود خاطر جمع شوند. افزایش قدرت دولت‌ها یا با توسل به منابع درونی و یا از طریق پیوستن به متحدین بیرونی است که انجام می‌پذیرد. اما تلاش یک دولت برای افزایش قدرت ممکن است تبعاتی ناخواسته برای امنیت دیگر دولت‌ها داشته باشد و دولت‌ها هرگز نمی‌توانند نسبت به نیات و مقاصد یکدیگر مطمئن شوند. علاوه بر شرایط آنارشیک، در خاورمیانه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و همچنین وجود ذخایر و منابع عمده معدنی و نفتی به مکانی برای منازعه و رقابت بین قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای تبدیل شده است که هر کدام از قدرت‌ها چه در سطح منطقه و چه در سطح بین‌الملل تلاش می‌کنند محیط و قواعد بازی را به گونه‌ای سازمان‌دهی کنند که منافع حداکثری خود را تأمین کنند.

در سطح بین‌الملل و در نتیجه تغییرات به وجود آمده در سیاست خارجی آمریکا در دوره اوباما و تمرکز بر منطقه آسیا و همچنین کشف میادین نفتی در آمریکا، از اهمیت خاورمیانه در سیاست خارجی آمریکا کاسته شد. در راستای تمایل دولت اوباما برای کاهش مداخله در مسائل پیچیده خاورمیانه، در چهارچوب سیاست برقراری توازن منطقه‌ای، واشنگتن دست دولت‌های متحد خود در منطقه خاورمیانه یعنی عربستان سعودی را باز گذاشت تا با هزینه خود و بدون دخالت و حضور آمریکا در منطقه، نظم مورد نظر خود و آمریکا را ایجاد و حفظ کنند (پورا احمدی و منصوریان، ۱۳۹۳: ۱۲۵-۱۲۶).

با وجود این که ترامپ سیاست خاورمیانه‌ای اوباما را مورد انتقاد قرار داده است، اما به نظر می‌رسد همچنان سیاست دولت اوباما را در خاورمیانه دنبال می‌کند. سیاست فوق، به

عاملی برای رقابت قدرت میان کشورهای منطقه تبدیل شده که در حال حاضر شاهد روند واگرایی، ناشی از خلأ قدرت در منطقه خاورمیانه، به خصوص بین قدرت‌های عمده تأثیرگذار در منطقه از جمله، ایران و عربستان هستیم که می‌تواند در بلند مدت موجب افزایش شکاف و از هم گسیختگی خاورمیانه گردد.

با توجه به واقعیت فوق، سؤال اصلی مقاله این است که چه عواملی در ایجاد و افزایش تنش و واگرایی قدرت‌های تأثیرگذار در خاورمیانه همچون، ایران، تأثیرگذار بوده است؟ فرضیه مطرح می‌کند که، با توجه به کاهش تمرکز و حضور مستقیم امریکا در دوره اوباما به عنوان قدرت تأثیرگذار بر منطقه خاورمیانه و تداوم آن در دولت ترامپ از طریق حمایت یک جانبه از عربستان و عدم وجود یک قدرت برپا کننده نظم در منطقه، قدرت‌های منطقه‌ای به خصوص ایران و عربستان هر کدام بر تأمین منافع و امنیت ملی خود تمرکز کرده‌اند. موضوع فوق منجر به افزایش واگرایی در منطقه می‌شود. در واقع، منافع بین ایران و عربستان در تضاد با منافع دیگری در حال شکل‌گیری است. عدم همگرایی و نبود مکانیزم مشترک برای مدیریت اختلافات در بلند مدت باعث ورود قدرت‌های بزرگ دیگر در منطقه و کاهش استقلال سیاسی و امنیتی بازیگران منطقه خواهد شد. نویسندگان برای پاسخگویی به پرسش، از چهارچوب نظری نئورئالیسم تهاجمی جان میرشایمر استفاده می‌کند. با ارائه چهارچوب نظری مبتنی بر رئالیسم تهاجمی به روند چرخش در سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه و واکنش کشورهای تأثیرگذار ایران و عربستان که خود عاملی برای افزایش واگرایی بوده است، می‌پردازیم. در بررسی مقاله، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

#### ۱. چهارچوب نظری: رئالیسم تهاجمی

رئالیسم تهاجمی به پیروی از دیگر گرایش‌های فکری بین‌الملل، دستگاه فکری خود را براساس آموزه‌ها و مفروضه‌های واقع‌گرایانه بنیان نهاده است. پیروان این مکتب، ضمن اینکه در چهارچوب‌های واقع‌گرایانه، دولت‌ها را به عنوان بازیگران اصلی صحنه روابط بین‌الملل به رسمیت می‌شناسند، بر این باورند که قدرت‌های بزرگ بازیگر اصلی در سیاست بین‌الملل

هستند و در تأثیرگذاری بر سیستم بین‌الملل، برودادهای قدرت‌های بزرگ تعیین‌کننده است (کامل، ۱۳۸۳: ۴). جان میرشایمر، تعیین سرنوشت تمامی دولت‌ها اعم از قدرت‌های بزرگ و کوچک را از طریق تصمیمات و اقدامات دولت‌هایی می‌داند که بیشترین توانایی را داشته باشند. از دید وی اقدامات بین‌المللی قدرت‌های بزرگ بر مبنای توانایی نظامی تعیین می‌گردد و این موضوع باعث می‌شود همواره احتمال وقوع جنگ وجود داشته باشد و هیچگاه این احتمال به میزان قابل توجهی کاهش نیابد و فقط قدرت است که می‌تواند از خطر افزایش احتمال وقوع جنگ توسط رقیب جلوگیری کند و در صورت وقوع، مانع شکست در جنگ شود. در رهیافت رئالیسم تهاجمی بر افزایش قدرت به منزله‌ی هدف و برای کسب جایگاه هژمونیک در نظام بین‌الملل (به عنوان رفتار اصلی قدرت‌های بزرگ) تأکید می‌شود. این دسته از رئالیست‌ها به مسأله امنیت به عنوان محور و پایه اصلی بحث‌هایشان می‌پردازند که به مسائلی چون امنیت بین‌الملل، بقاء، موضوعات امنیتی مبتنی بر محور نظامی، خوداتکایی در تحصیل امنیت، دولت محوری در مرجع امنیت و آناشری توجه می‌شود (همان: ۵).

میرشایمر در مورد اینکه چرا قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای، برای کسب قدرت و جایگاه برتر با هم رقابت می‌کنند، پنج مفروض را پیرامون نظام بین‌الملل بیان می‌کند (میرشایمر، ۱۳۹۳: ۳۴-۳۶)؛ نخست، نظام بین‌الملل آناشریک است. وجود آناشری به این معنا نیست که نظام بین‌الملل آشفته یا بی‌نظم است. اگر چه براساس دو ویژگی مهم رئالیستی یعنی جنگ و رقابت امنیتی چنین جمع‌بندی محتمل نمایان می‌گردد. تصویر آناشری در مکتب واقع‌گرایی به خودی خود هیچ ارتباطی با منازعه ندارد، بلکه یک اصل نظم‌دهنده است که نظام بین‌الملل را متشکل از دولت‌های مستقلی می‌داند که از هیچ اقتدار مرکزی پیروی نمی‌کنند. به عبارت دیگر، از آنجا که هیچ قدرت فائده‌ای در رأس نظام بین‌الملل وجود ندارد، حاکمیت در درون دولت‌ها نهادینه شده است. یعنی حکومتی بر فراز حکومت‌ها در نظام بین‌الملل وجود ندارد و هر دولت خود را بالاترین مرجع اقتدار می‌داند. آناشری، دولت‌ها را وادار می‌سازد قدرت یا نفوذ نسبی خود را به حداکثر برسانند.

امنیت و بقاء در درون نظام بین‌الملل هرگز قطعی نیست و دولت‌ها می‌کوشند با به حداکثر رساندن قدرت و نفوذ خود، امنیت خویش را به حداکثر برسانند (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۱۳۰).

دومین فرض، این است که قدرت‌های بزرگ به طور ذاتی دارای حدی از قابلیت‌های نظامی تهاجمی هستند که به آنها توان صدمه زدن و احتمال انهدام یکدیگر را می‌دهد. دولت‌ها، بالقوه برای یکدیگر خطرناک هستند، اگر چه برخی از آنها نسبت به دیگران از امکانات نظامی بیشتری برخوردارند و در نتیجه خطرناک‌تر هستند. به طور معمول قدرت نظامی یک دولت با توجه به برخی تسلیحات خاصی که در اختیار دارد، ارزیابی می‌شود. تاریخ نشان می‌دهد دولت‌ها در شرایطی که به شکلی فزاینده ثروتمند می‌شوند، ضمن ایجاد ارتش‌های بزرگ، خود را درگیر مسائل خارج از مرزهایشان می‌کنند و به دنبال افزایش نفوذ بین‌المللی خود می‌روند؛ به عبارت دیگر، توانمندی‌های نسبی تا حد زیادی می‌تواند به نیت دولت‌ها اشکال متفاوتی دهند. هنگامی که دولتی قدرتمندتر شود، می‌کوشد نفوذ خود را افزایش دهد و به حداکثر برساند و محیط بین‌المللی خود را کنترل کند. بنابراین دولت‌ها در مواردی که تصمیم‌گیرندگان اصلی آنها، تصور کنند توانمندی نسبی کشور بیشتر شده است، راهبردهای تهاجمی و با هدف پیشینه‌سازی نفوذ را دنبال خواهند کرد (همان: ۱۳۱).

فرض سوم، این است که دولت‌ها هرگز نمی‌توانند در مورد مقاصد و نیت دولت‌های دیگر مطمئن باشند. به ویژه هیچ دولتی نمی‌تواند اطمینان داشته باشد که دولت دیگر از توانایی نظامی تهاجمی خود علیه او استفاده نمی‌کند. البته نکته فوق، به این معنا نیست که دولت‌ها بطور ذاتی نیت خصمانه دارند، در حقیقت ممکن است، کلیه دولت‌ها در نظام بین‌الملل نیت خیرخواهانه داشته باشند، اما از آنجا که نمی‌توان این نیت را به طور قطعی و با اطمینان برآورد کرد، قضاوت قاطعانه در مورد آن به طور تقریبی غیرممکن است. علل احتمالی زیادی برای تهاجم وجود دارد و هیچ دولتی نمی‌تواند مطمئن باشد که دولت دیگر توسط یکی از علل برانگیخته نشود. به علاوه، نیت دولت‌ها به سرعت تغییر می‌کند؛ بنابراین یک دولت ممکن است امروز خیرخواهانه رفتار کند و روز دیگر خصمانه. عدم اطمینان در

مورد نیات دولت‌ها غیر قابل اجتناب است. در واقع، هیچ‌گاه نمی‌توان مطمئن بود که دولت‌ها مقاصد خصمانه‌شان را بر مرکب قدرت تهاجمی خود سوار نخواهند کرد. قدرت‌های خواهان کسب قدرت بزرگ از یکدیگر هراس دارند. آنها برای برای تأمین امنیت خود تنها می‌توانند به خودشان متکی باشند و بهترین راهبرد برای تضمین بقاء نیز بیشینه‌سازی قدرت نسبی است. در واقع چیزی که یک دولت می‌تواند امیدش را داشته باشد تبدیل شدن خودش به قدرت چیره منطقه و نبود هیچ قدرت برتر منطقه‌ای دیگر است (المن، ۱۳۹۳: ۶۱). در همین راستا، کشورها به علت اینکه سایر کشورها، تهدیدات بالقوه‌ای هستند و هیچ اقتدار برتری وجود ندارد که کشورهای مورد تجاوز را نجات دهد، پس کشورها نمی‌توانند برای تأمین امنیت خود به دیگران متکی باشند. به عبارت دیگر، چون نظام بین‌الملل خودیار است، هر یک از کشورها باید به تنهایی امنیت خود را تأمین کند و اتحادها و پیمان‌های نظامی، پدیده‌هایی زودگذر و متغییر هستند (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۸: ۳۶).

فرض چهارم، این است که نخستین و اصلی‌ترین هدف قدرت‌های بزرگ تضمین بقاء است. به خصوص اینکه، دولت‌ها در پی حفظ تمامیت ارضی و استقلال نظم سیاسی داخلی‌شان هستند. بقا در رأس انگیزه‌های دیگر قرار دارد، زیرا هرگاه یک دولت توسط دولت‌های دیگر تسخیر شود، ممکن نیست بتواند در آن شرایط اهداف دیگر را دنبال کند. همان‌طور که نشان داده شد براساس نظریه رئالیسم تهاجمی قدرت‌های بزرگ همواره درگیر نزاعی بی‌پایان برای کسب قدرت هستند و وجود شرایط آنا‌رشی در نظام بین‌الملل این تلاش‌ها را تشدید می‌کند. در این فضا چون کشورها هیچ تضمینی برای حفظ امنیت خود ندارند، خودیاری را بهترین وسیله برای تأمین امنیت خود تلقی می‌کنند. نزاع قدرت ممکن است گاهی اوقات به دلایلی فروکش کند، اما هیچگاه پایان نمی‌یابد. البته چنین امری بیشتر به آن سبب است که هدف هر قدرت بزرگ در درجه اول بقاست و قدرت بیشتر دولت به معنای شانس بیشتر آن برای بقای در جهان آنا‌رشیکی است (میرفخرایی، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

فرض پنجم، این است که قدرت‌های بزرگ بازیگرانی عقلانی‌اند. آنها نسبت به محیط خارجی خود آگاهند و برای بقای خود در این محیط، رفتار استراتژیک مناسب را دنبال می‌کنند. به خصوص دولت‌ها به اولویت‌های دیگر دولت‌ها و اینکه رفتارشان چه تأثیری بر رفتار دولت‌های دیگر دارد؛ همچنین این مسئله که رفتار دولت‌های دیگر چه تأثیری بر استراتژی آنها برای بقاء دارد، توجه می‌کند. علاوه بر این، دولت‌ها نه تنها به عواقب کوتاه مدت و فوری، بلکه به پیامدهای بلندمدت اعمال خود نیز توجه دارند (چرنوف، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

## ۲. چرخش سیاست خارجی باراک اوباما به سوی آسیا<sup>۱</sup>

هنگامی که باراک اوباما در آمریکا به قدرت رسید، گروه ویژه‌ای را مسئول بررسی این مسئله کرد که آیا راهبرد کلان واشنگتن برای حضور در جهان با منابع محدود مالی و تهدیدهای متغیر و نوظهوری که آمریکا با آنها رو به رو است، سازگاری دارد یا خیر. نتیجه بررسی که بخش اصلی آن توسط وزارت دفاع آمریکا انجام شد، در قالب سند راهنمای استراتژیک دفاعی در ۵ ژانویه ۲۰۱۲ منتشر شد. نتیجه این بود که آسیا با محوریت دریای جنوبی چین و سپس خاورمیانه با محوریت خلیج فارس، باید اولویت‌های راهبردی آمریکا در عصر جدید باشند. آمریکا به این باور رسید که اروپا با تهدید امنیتی جدیدی روبه‌رو نیست و حتی اگر با چنین تهدیدی مواجه شود، خود اروپا از توانایی لازم برای رویارویی با آن برخوردار است و نیاز چندانی به آمریکا ندارد. از سوی دیگر، تحولات خاورمیانه پس از سال ۲۰۱۱، قدرت مدیریت آمریکا را کاهش داده و اولویت شرق آسیا به مراتب بیش از مسایل جاری خاورمیانه شده است. سند فوق با معرفی آمریکا به عنوان یک قدرت اقیانوس آرام، تعریف جدید از حوزه منافع ایالات متحده ارائه کرد و منافع اقتصادی و امنیتی آمریکا به گونه‌ای گریزناپذیر با تحولات هلالی که از اقیانوس آرام

<sup>۱</sup>. Pivot to Asia

غربی و آسیای شرقی تا منطقه اقیانوس هند و جنوب آسیا کشیده می‌شود، مرتبط کرد (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۳۸).

میرشایمر در مورد اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا معتقد است، برای آمریکا در قرن بیستم اولویت مهم برای سیاست خارجی و منافع ملی آمریکا به ترتیب منطقه اروپا، آسیای شرقی و در نهایت خلیج فارس بود. اما در ابتدای قرن بیست و یکم اولویت سیاست خارجی آمریکا تغییر پیدا کرده است. به گونه‌ای که منطقه آسیای شرقی، خلیج فارس و در نهایت اروپا برای آمریکا به اولویت مهم تبدیل شده است. نکته قابل توجه این است که علت تبدیل خلیج فارس و خاورمیانه به اولویت دوم آمریکا، ناشی از افزایش قدرت چین در آسیا است که تلاش می‌کند روابط خود را با منطقه توسعه دهد و آمریکا در مقابل به دنبال کنترل رفتار چین در منطقه خاورمیانه است (میرشایمر، ۱۳۹۶).

اوباما تمرکز اصلی سیاست خارجی آمریکا را در آسیا می‌دید و توجه به اروپا را لازم نمی‌دانست و بر این نظر بود که به آفریقا و آمریکای لاتین بسیار بی‌توجهی شده است. خاورمیانه جایی است که باید از آن فاصله گرفت و با توجه به انقلاب انرژی و تولید نفت و گاز در آمریکا، اهمیت خاورمیانه به تدریج کاهش پیدا خواهد کرد. اوباما معتقد بود خاورمیانه نیاز به یک صلح سرد میان ایران و عربستان دارد. یکی از وجوه دکترین اوباما در خاورمیانه این بود که آمریکا مسئول مدیریت خاورمیانه و شمال آفریقا نیست و اصولاً قابلیت اصلاح و مدیریت از بیرون را ندارد (سریع القلم، ۱۳۹۵: ۱۰۹، ۱۱۲).

زمانی که باراک اوباما به مقام ریاست جمهوری رسید، آمریکا با یکی از بزرگترین بحران‌های اقتصادی تاریخ خود روبه‌رو بود و از این رو، اولویت سال‌های اخیر دولت آمریکا بر مبنای تمرکز بیشتر بر مسائل داخلی، تلاش برای بازسازی اقتصادی و پرهیز از تحمیل هزینه‌های جدید به اقتصاد بحران زده این کشور قرار داشت. موارد فوق تحولات جدیدی را در سیاست خارجی آمریکا، همچون: تأکید بیشتر بر چندجانبه‌گرایی در سطح جهانی، تمرکز بیشتر بر راهبرد محور آسیا و عدم تمایل به حضور مستقیم در تمام مناطق مهم و راهبردی جهانی موجب شد و با توجه به رونق تولید نفت و گاز در آمریکا، خاورمیانه اهمیت



پيشين خود را در سياست خارجي امريكا از دست داد (محمدزاده ابراهيمي و همكاران، ۱۳۹۵: ۹۶). در واقع، هشت سال سياست خارجي يك جانبه و نظامي آمريكا به رهبري جورج بوش پسر، در شرايطي رو به پايان بود كه باراك اوباما، با شعار تغيير، مبارزات انتخاباتي خود را آغاز كرد و توانست توجه افكار عمومي آمريكا و حتي جهان را به خود جلب كند. چيزي كه از اين مبارزات انتخاباتي باقي ماند، شعار تغيير باراك اوباما بود كه بسياري را به تغيير فاحش سياست خارجي آمريكا اميدوار كرد (مطلبی و فلاح نژاد، ۱۳۹۲: ۱۶۹).

اندیشه‌ها و گرایش‌های شخصی اوباما در سياست خارجي آمريكا و ساخت قدرت تركيب قدرت ائتلاف‌ها و همكاري‌ها و تقابل‌ها و جابه‌جايي‌ها و همكاري‌های نظامي در خاورميانه نقش تعيين‌كننده‌ای داشته و ژئوپوليتيك جديد خاورميانه را بنیان گذاشت. به زعم برخي از تحليل‌گران، اگر آمريكا در برابر بهار اسلامي در مصر و سوريه واكنش متفاوت و مداخله جويانه‌تری نشان می‌داد و وارد ائتلافي متشكل از دولت‌های عربي و اسرئيل می‌شد، شايد داعش، عراق و سوريه وضعيت متفاوت‌تری داشتند. عدم حضور موثر آمريكا در سوريه و مناطق زیر سيطره داعش به شكل‌گيري ثقل‌های جديد سياسي نظامي در منطقه منجر شد. اوباما بيان كرد، رقابت ژئوپوليتيكي ايران و عربستان منطقه را با وضعيت نامساعدی روبه‌روى کرده است. آمريكا بايد از هر دو طرف بخواهد كه با هم سهيم شوند و همكاري كنند، حتي اگر مجبور شوند صلح سردی میان خود برقرار كنند (سريع القلم، ۱۳۹۵: ۱۰۹، ۱۱۲).

### ۳. خلأ قدرت بزرگ و واكنش قدرتهای منطقه در خاورميانه

با آغاز دوره باراك اوباما و تأكيد وی در مورد لزوم واگذاري مديريت خاورميانه به خود كشورهای منطقه و حضور پررنگ در آسيا، بازیگران تأثیرگذار در منطقه همچون تركيه، عربستان، ايران و اسرئيل تلاش می‌كنند خلأ قدرت ناشی از بی‌توجهی آمريكا در منطقه را در راستای منافع و امنيت ملي خودشان ترسيم كنند. در اين مقاله ضمن اينكه به نقش و تأثیرگذاري چهار بازیگر فوق در تحولات منطقه باور دارد، اما تمرکز اصلي مقاله بيشتري بر روی رقابت آشكار و نهان دو كشور عربستان و ايران برای افزايش قدرت خود در منطقه

است. گسترش رقابت میان عربستان و ایران در منطقه ناشی از خلأ قدرت ناشی از چرخش سیاست خارجی آمریکا، نه تنها فرو کش نکرده، بلکه هر لحظه بر شدت و سرعت رقابت و تهدید متقابل دو کشور افزوده است در ادامه با توجه به پنج شاخص اصلی رئالیسم تهاجمی، عوامل موارد گسترش رقابت بین ایران و عربستان به بحث گذاشته می شود.

### ۱-۳: خلأ قدرت و افزایش تقابل در خاورمیانه

در بخش قبل به چرخش سیاست خارجی اوباما به سمت آسیا بحث کردیم. چرخش در سیاست خارجی آمریکا بر رقابت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه نیز تأثیر مهمی گذاشته است. هیلاری کلینتون وزیر خارجه دولت اوباما معتقد بود با کاهش درگیری‌ها در عراق و آغاز برنامه خروج آمریکا از افغانستان، وقت آن رسیده آمریکا بر موضوع مهم و جدیدی تمرکز کند. در ظرف ۱۰ سال گذشته تمرکز آمریکا بیشتر بر موضوعات مربوط به افغانستان و عراق بوده و برای ۱۰ سال پیشرو باید با هوشمندی و ظرافت، انرژی خودمان را به صورت سیستماتیک صرف هدفی کنیم که بتواند رهبری و جایگاه جهانی آمریکا را حفظ کند. در آینده پیش رو آمریکا باید سرمایه‌گذاری در حوزه‌های دیپلماتیک، اقتصادی و استراتژیک خود را بر منطقه آسیا - پاسیفیک متمرکز کند (Clinton, 2011: 1).

پس از خروج نیروهای آمریکایی و خلأ قدرت به وجود آمده ناشی از آن و ناتوانی دولت عراق در تأمین امنیت داخلی، گروه‌های افراطی خشونت‌گرا مثل داعش در عراق رشد یافتند. ظهور مجدد خشونت افراطی در عراق باعث انتقاداتی به تصمیمات سیاست خارجی اوباما شد. در همین راستا، بی میلی اوباما در کاربرد نیروی نظامی در سوریه پس از کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط بشار اسد و عدم مسلح کردن شورشیان از انتقاداتی است که مخالفان اوباما مطرح می‌کردند (کریمی فرد، ۱۳۹۴: ۱۷۰).

اوباما در مورد لزوم دخالت آمریکا در خاورمیانه و استفاده از ابزار نظامی به شدت مخالف بود و سواری مجانی از قدرت آمریکا برای مدیریت تحولات منطقه را نادرست می‌دانست. اوباما معتقد بود، اینکه آمریکا در هر بحران بین‌المللی پیش‌قدم شود، درست نیست و باید کشورهای خاورمیانه بخشی از هزینه مربوط را خودشان پرداخت کنند (طارمی، ۱۳۹۵:

(۱۴۶). با ارزیابی‌هایی که در مورد رویکرد سياست خارجي اوباما نسبت به تمامی منطقه انجام گرفته است، اوباما کمترین توجه به حضور پر رنگ در منطقه خاورميانه داشته است. اوباما تمرکز اصلی خود را در ابتدا بر آسيا قرار داده بود. اقدام فوق به ایجاد خلأ قدرت در خاورميانه منجر شد (Unger, 2016: 5). ميرشایمر، اقدامات دولت ترامپ در منطقه خاورميانه را به معنای اولويت خاورميانه برای آمریکا نمی‌داند، بلکه معتقد است تمامی اقدامات آمریکا در منطقه ناشی از کنترل نفوذ چین در منطقه است (ميرشایمر، ۱۳۹۶). در دوره ترامپ نیز کماکان شاهد چرخش رفتار آمریکا در سطح نظام بین‌الملل و در سطح منطقه هستیم. سياست خارجي ترامپ در سطح بین‌الملل بر تداوم سياست توجه به شرق آسيا و در سطح منطقه نیز تلاش برای افزایش قدرت عربستان و اسرائیل در مقابل ایران متمرکز شده است. به گفته ميرشایمر، سياست خارجي آمریکا در خاورميانه در دوره زمانی ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۵ وابسته به بریتانیا بود. آمریکا از طريق بریتانیا منافع خود را در منطقه دنبال می‌کرد. در سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۹ آمریکا به ایران روی آورد و ایران تکیه‌گاه سياست خارجي خاورميانه‌ای آمریکا شد. از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۱ آمریکا به دنبال ایجاد یک موازنه ساحلی و کرانه‌ای در منطقه، میان کشورهای ایران و عراق بود. در ادامه در سال‌های ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۱ آمریکا تلاش کرد سياست محدودسازی عراق و ایران را در منطقه دنبال کند و کاهش قدرت هر دو کشور را در دستور کار قرار داد. از آن پس تا سال ۲۰۱۷ آمریکا سياست تغییر رژیم را در منطقه دنبال کرد که البته با شکست مواجه شد. در نهایت از دوره ترامپ به بعد آمریکا به دنبال حمایت از ایجاد یک اسرائیل بزرگ در منطقه و حمایت از عربستان برای همراهی بیشتر با اسرائیل برای ایجاد سد نفوذ و مقابله با ایران در منطقه است (همان، ۱۳۹۶). سير تاریخی سياست خارجي آمریکا در منطقه گویای افزایش بی‌اعتمادی و رقابت بیشتر کشورها در منطقه خواهد بود.

### ۲-۳. توسعه قابلیت‌های نظامی قدرت‌های تأثیرگذار در خاورميانه

با خلأ قدرت و گسترش وضعیت آنارشیک در منطقه خاورميانه، هر یک از بازیگران تأثیرگذار در منطقه از جمله ایران و عربستان، ترکیه و اسرائیل به توسعه قابلیت‌های نظامی

خود می‌پردازند. در مورد کشور ترکیه می‌توان گفت که به علت مخالفت اتحادیه اروپا با پیوستن ترکیه به اتحادیه، دولت جدید اسلام‌گرای ترکیه با اغتنام از فرصت پیش آمده در تحولات انقلابی منطقه، بر شدت اقدامات خود افزوده است. ترکیه از قبل در صدد افزایش نقش و موقعیت سیاسی و اقتصادی خود در مناطقی چون خلیج فارس، آسیای جنوبی، خاور نزدیک، فلسطین، لبنان، سوریه و آسیای مرکزی و قفقاز بوده است ( Benli, 2008: 50).

سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه در غالب قدرت سخت و قدرت نرم قابل تبیین است. اول، در حوزه قدرت نرم، حضور فعال منطقه‌ای با اتخاذ قدرت نرم در سیاست خارجی و حل و فصل مشکلات با همسایگان است. از دیگر اقدامات ترکیه در بسط قدرت نرم می‌توان به معرفی ترکیه به عنوان الگویی از یک کشور اسلامی و دموکراتیک اشاره کرد. این اصل در سیاست خارجی ترکیه در دو بعد الگو بودن به عنوان یک کشور دموکرات که ترکیه همواره مدعی بوده یک نمونه موفق در جهان اسلام است و نیز الگو بودن به عنوان یک کشور مسلمان در جهان اسلام قابل تبیین است (Wendy, 2010: 37). دوم، در حوزه قدرت سخت، ترکیه به دنبال گسترش حضور نظامی بیشتر در منطقه خاورمیانه به خصوص عراق و سوریه است. هزینه دفاعی ترکیه از ابتدای سال ۲۰۱۷ تا اواخر سال حدود پنجاه درصد رشد داشته است. بودجه نظامی ترکیه از مبلغ ۷,۹ میلیارد دلار در سال قبل به ۱۱,۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ افزایش یافته و پیش‌بینی شده برای سال ۲۰۱۸ درصد زیادی به بودجه دفاعی کشور برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای و جهانی افزوده شود. ترکیه کماکان بر حضور در مرزهای جنوبی خود در عراق و شمال سوریه برای مقابله تروریسم اصرار دارد (TRT World, 2017). ترکیه با وجود اینکه با متحدین خود یعنی روسیه و ایران در مذاکرات دوره‌ای در آستانه قزاقستان برای آینده سوریه همکاری می‌کند، اما همزمان تلاش می‌کند در شمال سوریه نفوذ کرده و از گسترش نقش کردها در شمال سوریه جلوگیری کرده و از حامیان خود در منطقه حمایت می‌کند ( Özkök & Özkizilcik, 2017).

عربستان هم مدعی زعامت دینی و عرضه الگویی برای حکومت اسلامی و اسلام اصیل و خالص است. تبلیغات گسترده‌ای که برای نشر عقاید در اقصی نقاط جهان اسلام و حتی بین مسلمانان در اروپا صورت می‌گیرد، نشان از تلاش این کشور برای حفظ و تثبیت جایگاه ادعای مذکور دارد. در واقع برای عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس، نگرانی از شکل‌گیری یک هلال شیعی به رهبری ایران در منطقه بسیار نگران‌کننده است. از نظر آنها این نگرانی سه جنبه دارد: نخست، ماهیت ایدئولوژی دارد؛ دوم، مبتنی بر بسیج توده‌های شیعی جهان عرب و وفاداری آنها به ایران است و سوم، مبتنی بر بهره‌برداری فرصت‌طلبانه و گسترش خواهانه ایران از پتانسیل‌های جهان عرب در جهت افزایش نقش خود است (برزگر، ۱۳۸۷: ۱۱۰-۱۱۱).

در همین راستا، عربستان اقدام به خرید تجهیزات نظامی به خصوص از کشور آمریکا کرده است. در دوره ترامپ، آمریکا مبلغ ۱۰۰ میلیارد دلار سلاح به عربستان فروخته است. در همین راستا، توافق شد، در طی یک دوره ۱۰ ساله، آمریکا سلاح‌هایی به ارزش ۳۵۰ میلیارد دلار به عربستان تحویل دهد. قرارداد فوق، نشاگر توسعه معنادار روابط نظامی عربستان با آمریکا است. عربستان، نه تنها در زمینه نظامی با آمریکا قراردادهای مهمی امضاء کرده است، بلکه در زمینه اصلاحات اقتصادی نیز با شرکت‌های امریکایی ده‌ها میلیارد دلار امضا کرده است که نشانگر توسعه حمایت آمریکا از عربستان در منطقه خاورمیانه است. اقدامی که آمریکا معتقد است تلاش می‌کند روابط نظامی خود با کشورهای منطقه را برای مقابله و کنترل مقاصد و رفتار ایران دنبال کند (David, 2017). عربستان برای توسعه توانایی نظامی خود به همکاری نظامی با آمریکا اکتفا نکرده و با کشور روسیه نیز یادداشت تفاهمی برای خرید سیستم دفاع هوایی اس ۴۰۰ امضاء کرده است (Hardy, 2017).

در مورد ایران، افزایش نقش عنصر شیعی در ساخت قدرت و سیاست منجر به افزایش نقش و نفوذ ایران در مسائل سیاسی و امنیتی منطقه، از جمله حضور فعال و سرنوشت‌ساز در مسایل عراق، لبنان و به طور کلی خاور نزدیک گردید. در اینجا هویت شیعی توانسته به عنوان یک مؤلفه قدرت ملی ایران، علاوه بر بهره‌گیری در اهداف کوتاه‌مدت در قالب روابط

با گروه‌های سیاسی همگرا و در اهداف بلند مدت در قالب تقویت و تثبیت نقش منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر مسایل سیاسی و امنیتی منطقه و در روابط با قدرت‌های بزرگ مؤثر واقع گردد (برزگر، ۱۳۸۸: ۳۳). ایران همانند عربستان تلاش می‌کند قابلیت نظامی خود را در مقابل تهدیدات منطقه‌ای افزایش دهد. بعد از توافق برجام ایران توانست سیستم دفاع هوایی اس ۳۰۰ را که قبلا از روسیه خریداری کرده بود، تحویل بگیرد. همچنین برآورد شده که ایران قصد دارد، سلاح‌های نظامی به ارزش ۱۰ میلیارد دلار در یک دوره بلند مدت از روسیه برای افزایش توان نظامی خود خریداری کند (Gady, 2016). کشور ترکیه نیز با اینکه از چتر حمایتی دفاعی ناتو برخوردار است، اما تلاش می‌کند، قابلیت‌های خود را در حوزه نظامی از طریق خرید سلاح از روسیه و چین افزایش دهد (Kasapoglu, 2017). موارد فوق نشانگر تلاش کشورهای تأثیرگذار در خاورمیانه برای توسعه قابلیت‌های نظامی خود برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای است.

### ۳-۳: افزایش بی‌اعتمادی بازیگران در خاورمیانه

با توجه با آمار و ارقامی که در مورد خرید سلاح و افزایش توان نظامی کشورهای تأثیرگذار در منطقه توضیح داده شد، شاهد گسترش حس بی‌اعتمادی بین کشورهای تأثیرگذار در منطقه هستیم. از جمله موارد بی‌اعتمادی در سطح منطقه می‌توان به بیرون راندن سفرای عربستان از ایران، اعدام شیخ نمر، قطع روابط میان ایران و عربستان و همچنین حمایت‌های ترکیه از عربستان اشاره کرد. در وضعیت کنونی روابط ایران و عربستان در یک بافت موقعیتی پیچیده شامل شکاف‌های متقاطع و متراکم قرار دارند. به معنای دیگر باید بپذیریم که از یک سو ما در بین دولت حاکم بر ریاض و دولت حاکم بر تهران، نوعی شکاف‌های ناشی از نگرش‌های قومی و فرقه‌ای را می‌بینیم. از سوی دیگر شاهد شکاف‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و نظامی هستیم. موضوع فوق موجب پیچیدگی روابط میان ایران و عربستان در بافت موقعیت کنونی شده است (مطهرنیا، ۱۳۹۴).

در واقع نتیجه نگرفتن ریاض از چهار سال جنگ فرسایشی در سوریه سبب شد عربستان دست به انتخاب سختی بزند. ملک سلمان با شناخت از فضای داخلی ایران این بار

دستور اعدام شیخ نمر، روحانی شیعه، را صادر کرد تا در اقدامی تحریک‌آمیز ایران را در شرایط سختی قرار دهد (کبریایی‌زاده، ۱۳۹۴). عربستان با حمله به سفارت و کنسولگری عربستان در ایران، رایزنی‌های سیاسی برای کاهش روابط کشورهای دوست و متحدش علیه ایران را آغاز کرد. اقدامی که در راستای انزوای ایران در منطقه تعبیر می‌شود و موجب تغییر رویکرد دو کشور از تقابل غیرمستقیم و نیابتی به مواجهه مستقیم شده است. حمله نظامی به شیعیان حوثی، عدم همکاری در تعیین هویت قربانیان حادثه و تشکیل ائتلاف نظامی اسلامی از جمله این نشانه‌ها محسوب می‌شود. در راهبرد جدید، عربستان با اجرایی شدن برجام سعی دارد با تخریب مناسبات ایران با کشورهای منطقه به سد بزرگی برای بازگشت ایران در دوره پسابرجام به صحنه سیاست جهانی تبدیل شود. منطقه‌ای کردن تنش بین تهران و ریاض در جغرافیای نظامی خاورمیانه اگرچه با حمایت متحدین عربستان روبرو شد اما کشورهای غربی از آن انتقاد کردند و آن را بازی با آتش دانستند (همان، ۱۳۹۴).

در زمینه اختلاف بین ایران و عربستان می‌توان گفت از یک سو سخن از شیعه و سنی و جنگ نیابتی در مناطق جغرافیایی مانند سوریه، بحرین، یمن و بعضی از دیگر مناطق با عنوان اصطکاک میان این دو نگرش دیده می‌شود. از سوی دیگر ما شاهد رقابت استراتژیک ایران و عربستان در موضوعات مختلف سیاسی و اقتصادی در منطقه هستیم (مطهرنیا، ۱۳۹۴). بی‌اعتمادی بین دو کشور در منطقه در حال افزایش است. در همین زمینه، حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران معتقد است همکاری عربستان با آمریکا و اسرائیل در منطقه کمکی به سیاست‌های عربستان و افزایش امنیت منطقه خاورمیانه نمی‌کند و دوستی و اعتماد عربستان به آمریکا و اسرائیل یک شکست استراتژیک خواهد بود (Nasseri, 2017).

#### ۳-۴: تلاش کشورهای منطقه برای حفظ بقاء در خاورمیانه

با توجه به تلاش‌هایی که هر یک از کشورهای ایران، عربستان و ترکیه در زمینه افزایش توانایی نظامیشان داشته‌اند و همچنین بی‌اعتمادی که هر یک از این کشورها نسبت به

یکدیگر داشته‌اند، باعث ایجاد شرایط هرج و مرج گونه‌ای در سطح منطقه خاورمیانه شده است. در واقع خلأ قدرتی که ناشی از عدم حضور امریکا در منطقه خاورمیانه است، باعث شده هر یک از قدرت‌های تأثیرگذار در منطقه، برای حفظ و افزایش بقاء و امنیت در منطقه دست به اقداماتی در سطح منطقه و فرا منطقه‌ای بزنند. در خصوص ایران و تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای، تلاش ایران برای تبدیل شدن به ام‌القرای جهان اسلام را می‌توان به عنوان اصلی‌ترین محرکه‌های ایران در این مسیر تلقی کرد. ایران با توجه به ماهیت و هویت ایدئولوژیک آن از یک سو و توان و پتانسیل فراوان جمعیتی، سرزمینی، اقتصادی، ویژگی‌های خاص ژئوپولیتیک و موقعیت استراتژیک آن در خاورمیانه از سوی دیگر تمایل دارد به قدرتی مسلط در منطقه تبدیل شده و از این طریق، دیدگاه‌ها و اهداف سیاست خارجی خود را پیش ببرد، از نفوذ دشمنان خود در منطقه جلوگیری کند و در نهایت به عنوان مدل و الگوی اصلی کشورهای منطقه مطرح شود (درخشه و دیوسالار، ۱۳۹۰: ۹۹).

اما مهمترین عاملی که ایران می‌تواند از آن به عنوان سلاح اصلی و برگ برنده خود در منطقه تکیه کند، ژئوپولیتیک شیعه و تأثیرگذاری عمیق بر شیعیان خاورمیانه است. به نظر برخی از تحلیلگران، با توجه به جمعیت شیعه که در منطقه از پاکستان گرفته تا لبنان سکونت دارند و تأثیرات ایران بر این گروه‌های جمعیتی که در برخی از کشورها نیز اکثریت را در اختیار دارند، شرایط منطقه امروزه برای دستیابی ایران به یک موقعیت برتر از هر زمان دیگر مناسبتر شده است (Cetinsaya, 2007: 162-163).

عربستان، کشوری تأثیرگذار، مهم و تعیین‌کننده در تحولات منطقه خاورمیانه است و پادشاهی عربستان همواره کوشیده است با اعمال سیاست‌های ابتکاری و با استفاده حداکثری از ظرفیت‌های گوناگون خود در جهان اسلام و دنیای عرب، جایگاه برتری برای خود ایجاد کند. هر چند عربستان در عرصه سیاست خارجی سیاستی ملایم و کم‌تنش را دنبال می‌کرد، اما مواضع و رویکرد آن کشور در مقابل کانون‌های عمده فعال در منطقه به خصوص در عراق و تحولات آن متفاوت است. این موضوع حاکی از حساسیت بالای عربستان نسبت به تحولات و اقدامات فزاینده برای تأثیرگذاری در تحولات خاورمیانه، به



علت همکاری با سایر بازیگران منطقه و فرا منطقه در سطوح مختلف است (قناتی، ۱۳۹۳: ۳۷-۳۸).

ترکیه در دو دهه‌ی اخیر سعی کرده است خود را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای که در مناطق متعددی از قبیل بالکان، آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و حوزه‌ی مدیترانه فعالیت دارد، نشان دهد. ترکیه در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای گوناگونی عضویت داشته و همواره سعی نمود خود را به عنوان یکی از اعضای تأثیرگذار این سازمان‌ها معرفی کند. سازمان‌هایی از قبیل ناتو، سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه، اکو و سازمان کنفرانس اسلامی نمونه‌هایی از این سازمان‌ها هستند (Gareth, 2006: 1). در حقیقت فعالیت‌های دولت ترکیه در داخل طی چند سال گذشته باعث شد تا بسیاری از تحلیلگران چه در منطقه و چه در خارج از آن، از حزب عدالت و توسعه به عنوان یک الگوی دموکراسی اسلامی بحث کنند، به ویژه اینکه در دوران اخیر که از نظر غرب دهه‌ی مبارزه با تروریسم بوده است، فعالیت‌های دموکراتیک حزبی با ریشه‌های اسلامی بسیار جلب توجه می‌کنند. به هر حال آنچه مسلم است اینکه ترکیه، پس از یازده سپتامبر تا دوره اوباما با حمایت غرب تلاش کرده بود خود را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای نشان دهد (Onis, 2007: 17). هرچند تحولات سیاسی داخلی در کشور ترکیه از سال ۲۰۱۶ موجب واگرایی آن از کشورهای غربی و امریکا شده است اما کماکان ترکیه به یک متحد رسمی اروپا در قالب ناتو باقی مانده است.

### ۳-۵ ارزیابی وزن تأثیرگذاری و قدرت رقیب

عامل مهمی که بر واگرایی در خاورمیانه تأثیر گذار است، ارزیابی عقلانی رفتار رقیب و بررسی میزان قدرت هر کدام از کشورهای خاورمیانه در مورد وزن و مقدار تأثیرگذاری نسبت به همتایان خود در منطقه است. رقابت کشورهای منطقه با یکدیگر لزوماً به موارد ایدئولوژیک و ارزشی محدود نمی‌شود بلکه درکنار آن، منافع ملی و امنیت ملی که هر کدام از قدرت‌های تأثیرگذار در منطقه به خصوص ایران و عربستان برای خود تعریف کرده‌اند باعث گسترش رقابت میان آنها شده است. میرشایمر معتقد است، رقابت ایران با ترکیه و

عربستان در منطقه خاورمیانه فقط به ماهیت ایدئولوژیک ایران بر نمی‌گردد، بلکه به منافع و امنیت ملی ایران برای حفظ جایگاه و قدرت خود در منطقه مرتبط است و حتی اگر نخبگان سیاسی در ایران تغییر پیدا کنند، سیاست فوق از سوی ایران، در سیاست خارجی ایران در منطقه تداوم خواهد داشت (میرشایمر، ۱۳۹۶). بازیگران تأثیرگذار در منطقه هرکدام با تأکید بر سود و زیان و بررسی میزان قدرت رقیب در منطقه تلاش می‌کنند از طریق اتحاد و ائتلاف‌های منطقه‌ای و برون منطقه‌ای نفوذ همدیگر را کاهش دهند. در همین راستا، کشور عربستان در واکنش نسبت به رفتار ایران در منطقه معتقد است که ایران قصد تغییر موازنه را به نفع خود دارد. ایران تلاش می‌کند از طریق گسترش محور مقاومت در منطقه، نفوذ خود را هر چه بیشتر بر کشورهای منطقه گسترش داده و سیستم امنیتی کشورهای عراق، سوریه و لبنان را به خود وابسته کند (McInns, 2016). عربستان از طریق نهادهای منطقه‌ای همچون اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس و همکاری با امریکا تلاش می‌کند، نقش و جایگاه رو به گسترش ایران در منطقه را کنترل کند. در همین راستا، جلسه اضطراری وزیران امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه عرب با درخواست عربستان سعودی در قاهره برای مقابله با افزایش قدرت ایران در منطقه، برگزار شد (Abdel Maguid, 2017).

در مقابل، ایران گسترش ناامنی در منطقه را متوجه عربستان می‌داند. از نظر ایران عربستان بازیگر اصلی گسترش خشونت در منطقه خاورمیانه است. عربستان در یمن دست به خشونت بسیار زیادی زده و در امور داخلی لبنان دخالت کرده و نخست وزیر این کشور را وادار به استعفا کرده است. از منظر ایران، عربستان عامل اصلی خشونت‌ها در منطقه است (The Guardian, 2017).

### نتیجه‌گیری

خاورمیانه در شرایط پیچیده امنیتی قرار دارد و هرکدام از قدرت‌های واقع در منطقه و بیرون از منطقه تلاش می‌کنند متناسب با منافع ملی خود رفتار کنند. تعدد بازیگران ذی

نفوذ در منطقه و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای باعث شده خاورمیانه به یک منطقه آشوب‌زا تبدیل شود. گسترش ناامنی و درگیری در خاورمیانه از عوامل مختلفی سرچشمه می‌گیرد. در این مقاله به این نکته اشاره شده است که در کنار همه عوامل تأثیرگذار در گسترش ناامنی در خاورمیانه وجود خلأ یک قدرت بزرگ و تأثیرگذار جهانی، باعث افزایش واگرایی بیشتر کشورهای صاحب نفوذ در خاورمیانه شده است. چرخش سیاست خارجی آمریکا به سوی آسیا و تبدیل خاورمیانه به اولویت دوم برای آن کشور باعث شده، اقدامات آمریکا در منطقه برای کنترل نفوذ چین در منطقه بکار گرفته شود و صلح و امنیت در خاورمیانه در راستای هدف فوق، مورد توجه قرار می‌گیرد. ترکیه، عربستان و ایران هرکدام تلاش می‌کنند متناسب با منافع و امنیت ملی، جهت‌گیری سیاست خارجی خود را تنظیم کنند. در این میان، روابط بین ایران و عربستان بیش از دیگر کشورها در منطقه تیره شده است. برای برون‌رفت از چالش فوق پیشنهاد می‌شود هرکدام از کشورهای تأثیرگذار در منطقه از جمله ترکیه، عربستان و ایران از طریق گسترش دیپلماسی منطقه‌ای و افزایش سطح تعاملات دیپلماتیک، مذاکرات سه جانبه برای حل و فصل اختلافات را مورد توجه قرار دهند.

## منابع:

- المن، کالین. (۱۳۹۳). «واقع گرایی». بینید در: **نظریه روابط بین الملل برای سده بیست و یکم**، ویراسته مارتین گریفیتس، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- برزگر، کیهان. (۱۳۸۷). «ایران، عراق جدید و نظام سیاسی-امنیتی خلیج فارس». تهران، **معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی**؛ دفتر گسترش تولید علم.
- چرنوف، فرد. (۱۳۸۸). **نظریه و زبر نظریه در روابط بین الملل**. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر نی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۸). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**. تهران: سمت.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۵). **تحول در نظریه‌های روابط بین الملل**. تهران: سمت.
- میرشایمر، جان. (۱۳۹۳). **تراژدی قدرت‌های بزرگ**. ترجمه غلامعلی چگینی‌زاده. تهران: نشر وزارت امور خارجه.
- برزگر، کیهان. (۱۳۸۸). «منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران». **مجله مطالعات اوراسیای مرکزی**، سال ۲، شماره ۵.
- پورااحمدی، حسین و منصوریان، اصغر. (۱۳۹۳). «تغییرات سیاست خارجی امریکا و تحولات خاورمیانه». **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال ۷، شماره ۴.
- جمشیدی، محمد. (۱۳۹۴). «تجدید توازن: استراتژی کلان ایالات متحده در دوره اوباما». **پژوهشنامه علوم سیاسی**، سال یازدهم، شماره ۳.
- درخشه، جلال و دیوسالار، مجید. (۱۳۹۰). «عوامل همگرا و واگرا در روابط ایران و ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در ترکیه». **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر رضا**، دوره ۳، شماره ۷.
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۹۵). «نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه». **پژوهشنامه علوم سیاسی**، سال دوازدهم، شماره اول.
- طارمی، کامران. (۱۳۹۵). «ارزیابی نتایج استراتژی نظامی منطقه‌ای آمریکای اوباما». **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، سال هفدهم، شماره ۷.
- کامل، روح اله. (۱۳۸۳). «مقدمه‌ای بر رئالیسم تهاجمی». **ماهنامه نگاه**، سال ۴، شماره ۳۸.

- کریمی فرد، حسین. (۱۳۹۴). « بررسی و نقد سیاست خارجی اوپاما». فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، دوره ۷، شماره ۲۵.
- محمدزاده ابراهیمی، فرزاد؛ ملکی، محمدرضا و امام جمعه‌زاده، سیدجواد. (۱۳۹۵). « راهبرد خاورمیانه‌ای اوپاما؛ از واگذاری مسؤلیت تا همراهی محدود». فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، دوره ۸، شماره ۲۸.
- مطلبی، مسعود و فلاح‌نژاد، علی. (۱۳۹۲). «هویت‌های سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و دولت باراک اوپاما». فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، دوره ۵، شماره ۱۷.
- میرفخرایی، سیدحسن. (۱۳۸۶). «بحران استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپای شرقی: اهداف و پیامدها». مجله حقوق و سیاست، سال ۹، شماره ۲۲.
- فغانی، فریبا. (۱۳۹۳). «دلایل همگرایی سیاست خارجی ترکیه و عربستان در قبال عراق جدید (۲۰۰۳-۲۰۱۳)». همایش علمی مقاله خلیج فارس، دانشگاه تربت حیدریه. ایران. تربت حیدریه.
- میرشایمر، جان. (۱۳۹۶). «سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه؟». سخنرانی در موسسه مطالعات آمریکا و اروپا (یوریکا). ایران، تهران.
- میرشایمر، جان. (۱۳۹۶). «چشم انداز سیاست قدرتهای بزرگ در قرن ۲۱». سخنرانی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. ایران، تهران.
- کبریایی زاده، حسین. (۱۳۹۴). «جنگ سرد در خاورمیانه». قابل دسترس در سایت ابرار معاصر تهران.
- مطهرنیا، مهدی. (۱۳۹۴). «آینده روابط ایران و عربستان و نقش متغیرهای دخیل». قابل دسترس در سایت ابرار معاصر تهران.
- Onis, Ziya. (2007). **Turkish Politics in a Changing World Global Dynamics and Domestic Transformations**. Istanbul: Bilgi University Press.
- Benli, Altunisik. (2008). "The Possibilities and Limits of Turkey's Soft Power in the Middle East". **Insight Turkey**, Vol.10 (2).

- Cetinsaya, Gokhan. (2007). "Turkish- Iranian Relations since the Revolution". **Turkish Review of Middle East Studies**, Vol. 26 (2).
- Unger, David. (2016). "The Foreign Policy Legacy of Barack Obama". **the International Spectator**, Vol. 51(4).
- Wendy, Kristiansen. (2010). "Turkey's Soft Power Successes". **Le Monde Diplomatic**, Vol.4 (7).
- Abdel Maguid, Mohamed. (2017). "Arab League Seeks Anti-Iran UN Security Council Resolution". Available at: [www.egypttoday.com/Article](http://www.egypttoday.com/Article)
- Clinton, Hillary. (2011). "America's Pacific Century". Available at: <http://www.foreignpolicy.com/articles>.
- David, Javier E. (2017). "US-Saudi Arabia seal weapons deal worth nearly \$110 billion immediately, \$350 billion over 10 years". Available at: <https://www.cnbc.com>.
- Gady, Franz-Stefan. (2016). "Iran and Russia Negotiating \$10 Billion Arms Deal". available at: <https://thediplomat.com>.
- Hardy, Catherine. (2017). "Saudi Arabia and Russia sign arms deal". available at: [www.euronews.com](http://www.euronews.com).
- Kasapoglu, Can. (2017). "Why Turkey might Buy Russia's S-400 Defence System". Available at: <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/>.
- McInnis, J. Matthew.(2016). "Can Saudi Arabia really 'share the neighborhood' with Iran?". available at: <http://nationalinterest.org/blog>.
- Nasser, Ladan. (2017). "Rouhani Urges Saudi Arabia to Avoid Teaming Up With U.S. and Israel". available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles>.
- Özkök, Ali & Özkizilcik, Ömer. (2017). "Turkey Seeks to Expand its Influence in Syria". available at: <https://rusi.org/commentary>.
- **the Guardian**. (2017). "Iran's President says Saudi Arabia Behind Hostility in Region". available at: <https://www.theguardian.com>.
- TRT World. (2017). "Turkey's Defence Budget Raised by Nearly 50 Percent". available at: [www.trtworld.com/turkey](http://www.trtworld.com/turkey).